



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

The Concept of the Couple's Sexual Health in Medical Practice and Its Effect on the Wife's Distress and Embarrassment

Marjan Heydari¹, Mohammad Baqer Amerinia^{1*}, Dariush Babaei¹

1. Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Issues related to the health of the couple play an important role in realizing the wife's right to enjoy the right to meet sexual needs. According to the medical, jurisprudential and legal considerations in the expression of examples of sexual health, the present research is trying to investigate the issue of the sexual health of the couple, the realization of the difficulty and embarrassment of the wife.

Method: This article is descriptive and analytical and the tools used are library and documents.

Ethical Considerations: In compiling and writing this article, ethical principles and standards, including citation and trustworthiness, have been observed.

Results: Based on the rule of difficulty and embarrassment and in line with medical custom, if the couple is suffering from an incurable, contagious disease and creates an obstacle for the fulfillment of the sexual needs of the wife, he reserves the right for him to have sexual health. Avoid the couple. Because cases of the husband's ill health are examples of hardship and embarrassment for the wife. In addition, the sexual weakness and impotence of the couple, for whatever reason, should not exceed the right of the woman to fulfill her needs for more than four months.

Conclusion: Although husband's illness and wife's sexual needs are not fulfilled, it is considered as a violation of the woman's right to satisfy her sexual needs, but it does not justify her disobedience in other cases. Rather, the wife can refrain from intercourse with the husband, taking into account the considerations and the type of illness of the husband. This recommendation is mentioned both in jurisprudence and medical sources and in Article 1127 of the Civil Code.

Keywords: Couple; Lack of Sexual Health; Difficulty and Embarrassment; Medical Practice; Divorce

Corresponding Author: Mohammad Baqer Amerinia; **Email:** mohamadamerinia@gmail.com

Received: September 30, 2024; **Accepted:** February 01, 2025; **Published Online:** December 17, 2025

Please cite this article as:

Heydari M, Amerinia MB, Babaei D. The Concept of the Couple's Sexual Health in Medical Practice and Its Effect on the Wife's Distress and Embarrassment. Medical Law Journal. 2025; 19: e50.



انگاره عدم سلامت جنسی زوج در عرف پزشکی و تأثیر آن در تحقق عسر و حرج زوج

مرجان حیدری^۱، محمدباقر عامری‌نیا^{۱*}، داریوش بابایی^۱

۱. گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مباحث مربوط به سلامت زوج نقش مهمی در محقق شدن حق زوج در بهره‌مندی از حق نیاز داشتن به تأمین نیازهای جنسی ایفا می‌کنند. با توجه به ملاحظات پزشکی، فقهی و حقوقی در بیان مصادیق سلامت جنسی، پژوهش حاضر درصدد است تا سلامت جنسی زوج را بر تحقق عسر و حرج زوج بررسی نماید.

روش: مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده و ابزار مورد استفاده نیز کتابخانه‌ای و اسنادی است.

ملاحظات اخلاقی: در تدوین و نگارش مقاله حاضر اصول و معیارهای اخلاقی، از جمله استناددهی و امانتداری رعایت شده است. **یافته‌ها:** بر مبنای قاعده عسر و حرج و همسو با عرف پزشکی، عدم سلامت جنسی زوج در صورتی که مبتلا به بیماری صعب‌العلاج، مسری و ایجاد مانع برای برآورده شدن نیازهای جنسی زوج باشد، این حق را برای وی محفوظ می‌دارد که از زوج دوری نماید، زیرا موارد عدم سلامت زوج مصداق عسر و حرج برای زوج محسوب می‌شود، ضمن اینکه ضعف و ناتوانی جنسی زوج به هر دلیلی که حادث شود، نباید از حق زن برای محقق کردن نیاز خود بیش از چهار ماه عبور نماید.

نتیجه‌گیری: بیماری زوج و عدم تحقق نیازهای جنسی زوج، هرچند باعث تضییع حق زن در زمینه تأمین نیازهای جنسی وی تلقی می‌شود، اما موجب جواز عدم تمکین وی در سایر موارد نیست، بلکه زوج می‌تواند با در نظر گرفتن ملاحظات و نوع بیماری زوج از مقاربت با وی خودداری نماید. این توصیه هم در فقه و منابع پزشکی و هم در ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی مورد اشاره واقع شده است.

واژگان کلیدی: زوج؛ عدم سلامت جنسی؛ عسر و حرج؛ عرف پزشکی؛ طلاق

نویسنده مسئول: محمدباقر عامری‌نیا؛ پست الکترونیک: mohamadamerinia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Heydari M, Amerinia MB, Babaei D. The Concept of the Couple's Sexual Health in Medical Practice and Its Effect on the Wife's Distress and Embarrassment. Medical Law Journal. 2025; 19: e50.

مقدمه

عقد نکاح نظیر هر عقد دیگری دارای آثار و تبعاتی است که برای هر یک از زوجین، حقوق و تکالیفی ایجاد می‌کند. در یک نگاه و تقسیم‌بندی کلی باید گفت که پیامدهای عقد نکاح شامل آثار مالی نظیر مهریه و نفقه است و آثار غیر مالی به داشتن روابط زناشویی مطلوب مرتبط است. این وظیفه به نحوی است که قانونگذار برای طرفین، تکلیف کرده که در صورت امتناع از داشتن رابطه جنسی مطلوب برای طرف مقابل، مستحق پیگیری حقوقی باشد، یعنی اگر زن از توجه به نیازهای جنسی شوهر خودداری نماید، حسب ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی مستوجب مجازات است و اگر متقابلاً شوهر از داشتن رابطه مطلوب با همسر خود امتناع کند و یا چهار ماه از داشتن رابطه دوری جوید، احکام متناسبی برای وی لحاظ می‌شود. با این حال مصادیق خودداری از داشتن رابطه جنسی مطلوب در زندگی زناشویی به آسانی نیست و غالباً موارد غیر عمد نظیر عدم سلامت جسمی، مشکلات روحی و روانی و یا آنچه تحت عنوان عدم سلامت جنسی مطرح می‌شود، نقش مهمی در عدم تحقق نیازهای طرف مقابل بر عهده دارند. به طور مشخص بحث عدم سلامت جنسی زوج یکی از این موارد است که اگر بر مبنای تحقیقات پزشکی اثبات شود، عاملی برای عسر و حرج زن یا همانا در تنگنا قرار دادن وی محسوب می‌شود، بدین ترتیب مبحث مهم دیگر در ارتباط با حق زوجه در دستیابی به نیازهای جنسی و حق داشتن رابطه جنسی سالم و مطلوب، بررسی سلامت جنسی زوج و یافتن مصادیق بیماری جنسی اعم از روحی و روانی است، زیرا امروزه افسردگی، اضطراب، عدم آگاهی از نحوه تعامل با همسر، بخش قابل توجهی از مشکلات جنسی را شامل می‌شود. به هر حال روشن است که اگر نیازهای جنسی زوجه در کانون خانواده محقق نشود، حقوق زنان مورد تضییع واقع شده و مصادق عسر و حرج تلقی می‌شود. در این صورت بر عهده نهادهای پزشکی، فقها و منابع حقوقی است تا با شناسایی نوع و میزان عدم سلامت جنسی زوج، حقوق زوجه را بازستانند، به طوری که حسب مشکل زوج در عدم تحقق نیازهای جنسی زوج،

طیفی از اقدامات حقوقی برای زوجه اعم از عدم مقاربت، امتناع از برخی روابط با زوج و عدم تمکین را دربر می‌گیرد. در بحث سلامت زوج و تأثیر آن بر زندگی زناشویی، فروض مختلفی وجود دارد، از جمله اینکه در برخی موارد ممکن است ناتوانی زوج به دلایل جزئی و قابل رفع باشد و در مواردی ممکن است عمیق و غیر قابل درمان باشد که در این صورت، قانونگذار، اختیارات خاصی به زوجه داده تا بتواند اقدامات حقوقی مناسبی برای رفع نیازهای جنسی خود به صورت خاص و حفظ کانون خانواده به صورت عام انجام دهد. با توجه به پیوند فقه حقوق در جامعه ایران پس از انقلاب، عسر و حرج ناشی از عدم سلامت زوج، معیار مهمی برای رجوع کردن زوجه به دادگاه و نهادهای قضایی جهت مطرح کردن دلایل خود ایجاد کرده است، زیرا در صورتی که تبعات ناشی از عدم سلامت جنسی، باعث تضییع حقوق و نیازهای زوجه شود، دلیل قابل توجهی برای رسیدگی به این مشکل وجود دارد. بر این اساس مطالعه حاضر با در نظر داشتن نقش عدم سلامت جنسی زوج در عرف پزشکی و توجه به ملاحظات ناشی از مشکلات جنسی از سوی زوج درصدد است تا نقش این متغیر را در تحقق عسر و حرج برای زوجه مورد بررسی قرار دهد. اهمیت بحث حاضر به دلیل حق زن در بهره‌مندی و رفع نیازهای جنسی و داشتن رابطه مطلوب به عنوان یکی از مصادیق حق بر سلامت است که در منابع فقهی نیز بدان تأکید شده است. از این رو بررسی و تحلیل مواد قانونی مرتبط با عدم سلامت جنسی زوج و اقدامات زوجه برای عبور از این شرایط می‌تواند ضمن در نظر گرفتن حفظ و پایداری کانون خانواده، مصادیق عسر و حرج را شناسایی و برای هر یک از آنان چاره‌جویی نماید. پرسش محوری پژوهش حاضر این است که عدم سلامت جنسی زوج در چه مواردی می‌تواند تحقق بخش عسر و حرج برای زوجه در نظر گرفته شود؟

روش

روش مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

حسب مقررات قانون مدنی و مستندات فقهی، داشتن روابط جنسی سالم و مطلوب از آثار و پیامدهای عقد نکاح در بُعد غیر مالی است. در این صورت اگر زوج به دلایل پزشکی اعم از جسمی، روحی و روانی نتواند نیازهای زوجه را برآورده سازد، مصداق عسر و حرج برای وی تلقی شده و مشمول برخی احکام قضایی می‌شود، زیرا اگر سردی و دوری روابط میان زوجین به واسطه عدم سلامت جنسی زوج ایجاد شود، پیامدهای مخربی برای زوجه و کانون خانواده در پی دارد که به ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی دامن می‌زند، ضمن اینکه منابع فقهی و قانونگذار در قانون مدنی در صورت موجه و غیر عمدی بودن عدم سلامت زوج، عدم تمکین زن از سایر وظایف را توصیه نمی‌کنند، اما این حق را برای وی قائل هستند که در صورت حاد بودن سلامت جنسی شوهر و یا امکان بروز بیماری مقاربتی، از داشتن رابطه اجتناب نماید، اما در مواردی اگر عدم سلامت جنسی زوج چه به صورت بیماری و خارج از دسترس زوج باشد و چه بر اثر حوادث و بلایا یا هر علت روانی و جسمی، در صورتی که نتواند نیازهای زوجه را در عرصه جنسی برطرف سازد و از چهار ماه که در منابع فقهی بر آن تأکید شده، عدول نماید، حق فسخ نکاح را نیز به زوجه می‌دهد.

بحث

مباحث مربوط به انواع سلامت جنسی، مصادیق و معیارهای عدم سلامت جنسی زوجین از جمله زوج، حق زوجه در بهره‌مندی از داشتن یک روابط جنسی سالم و متعارف، از جمله موارد مهمی است که نشان‌دهنده تحقق عسر و حرج در زندگی زناشویی می‌باشد که در مباحث بدان پرداخته خواهد شد:

۱. مفهوم‌شناسی عدم سلامت جنسی: عدم سلامت جنسی

ناظر بر اختلال در اندام‌های تناسلی یا هر نوع بیماری در اندام‌های بدن زوج یا زوجه است که باعث برآورده‌نشدن نیازهای جنسی طرف مقابل می‌گردد. این اختلالات یا نقصان بر روابط جنسی افراد و در نهایت سلامت جنسی افراد اثر می‌گذارد (۱). عدم سلامت جنسی می‌تواند ناشی از تمایلی روانی فرد به طرف مقابل، اختلال در اندام‌های جنسی، بیماری صعب‌العلاج و یا حتی قطع اندام جنسی یا ضعف و حتی از بین رفتن دائمی کارکرد اندام تناسلی و جنسی مربوط باشد.

۱-۱. **عدم سلامت جنسی دائمی:** نداشتن سلامت جنسی دائمی برای زوج به معنای ناتوانی دائمی شوهر به دلایلی پزشکی یا از کارافتادن دستگاه تناسلی وی است که اگر بعد از عقد نکاح حادث شود، تبعات جبران‌ناپذیری برای زندگی زناشویی در پی دارد. این رویه بدین معناست که ارتباط سالم و مطلوب صورت نمی‌گیرد و در کیفیت زندگی زناشویی اثرگذار خواهد بود (۲)، به علاوه اینکه ممکن است زوج به دلیل ابتلا به یک بیماری لاعلاج نتواند وارد رابطه جنسی با همسر خود شود که در این صورت نیز مصداق عدم سلامت جنسی دائمی برای وی تلقی می‌شود. همچنین ممکن است زوج به یک بیماری مقاربتی دچار شده که اگرچه توانایی انجام رابطه جنسی را دارد، اما انجام این رابطه برای زوجه خطرآفرین و ابتلا به همان بیماری را در پی داشته باشد.

۱-۲. **عدم سلامت جنسی ضعیف (نسبی):** سلامت جنسی

ضعیف از حیث رابطه زناشویی به تغییراتی اشاره دارد که سلامت جنسی زوج را در معرض دلزدگی یا بی‌توجهی به زوجه نشان می‌دهد. از این منظر، ممکن است در ابتدای ازدواج، با عشق و علاقه شروع نمایند، اما در ادامه و در مواجهه با واقعیات زندگی و واقعیات موجود، هماهنگی لازم وجود نداشته باشد و این رویه می‌تواند به سرخوردگی و دلزدگی زناشویی بینجامد (۳). شکل بارز این رفتار، پاسخ‌ندادن به نیازهای زوج و یا کوتاهی در برآورده‌نمودن آنان است که عواقب خاص خود را در پی دارد.

۳-۱. **عدم سلامت جنسی قابل علاج:** سلامت جنسی قابل علاج اشاره به رفتارهای جنسی ای دارد که با مراجعه به پزشک و یا انجام برخی فعالیت‌ها قابل اصلاح و درمان است. مواردی که برای زوج اتفاق می‌افتد، می‌تواند شامل نداشتن آموزش جنسی، ضعف بدنی، عدم نعوظ و... باشد. بنابراین در عدم سلامت جنسی قابل علاج، بحث کیفیت رابطه جنسی مد نظر است، زیرا وجود رابطه جنسی مطلوب به نحوی که رضایت طرفین را جلب نماید، حائز اهمیت است و نقش مهمی در پایداری کانون خانواده ایفا می‌کند (۴). بنابراین عدم بهره‌مندی زوجه از یک رابطه جنسی که به دلیل عدم سلامت جنسی زوج باشد، نارضایتی جنسی را در پی دارد که البته می‌تواند به دلایل روانی یا جسمی برای زوج حادث شود و قابل رفع شدن است. در این صورت، حتی زن به دلیل مقطعی بودن مشکل سلامتی زوج نباید از تمکین شوهر در رفع نیازهای جنسی (در صورت عدم مشکل بیماری برای زوجه) خودداری ورزد، همچنانکه وی نباید از وظایف مرسوم زناشویی نیز امتناع ورزد، زیرا رضایت جنسی امری مهم بوده و به قضاوت و تحلیل هر فرد از رفتار جنسی که خودش لذت‌بخش می‌داند، اطلاق می‌شود (۵). با این حال اثرگذاری عدم سلامت جنسی به طور موقت، به نحوی است که با گذر زمان و انجام برخی درمان‌ها قابل حل شدن است و زن می‌تواند برای جلوگیری از فروپاشی یا آسیب دیدن نظام خانواده، تدابیری بیندیشد تا با صبر و متانت، مشکلات همسر برطرف شده و به تأمین نیازهای متقابل همت بگذارند.

۴-۱. **عدم سلامت جنسی صعب‌العلاج:** عدم سلامت جنسی صعب‌العلاج در واقع به مواردی اشاره دارد که رنج و دشواری مضاعفی برای زوجه ایجاد می‌کند و تداوم زندگی زناشویی و کیفیت زندگی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۶). در عدم سلامت جنسی، ممکن است بیماری مقاربتی، ضعف جسمانی شدید و بی‌میلی، اضطراب و افسردگی مزمن باعث خودداری زوج از رابطه جنسی مطلوب با زوجه شود. در نوع صعب‌العلاج، حتی برخی مشکلات جنسی نظیر درخواست‌های نامتعارف و غیر منطقی از سوی زوج نیز وجود دارد. بنابراین

ردپای سوء مشکلات جنسی زوج در شروع و پدید آمدن انواع مشکلات روانی - جسمی و تشدید علائم حوزه سلامت جنسی نیز دیده می‌شود (۷). مواردی که با توجه درمان قطعی آنان و یا حتی شدت یافتن انواع خاصی از این رفتارها، باعث مشکلات متعددی در حوزه سلامت عمومی، جسمی و مشکلات زندگی زناشویی منجر می‌شود.

۲. **نیاز جنسی زنانه:** نیاز جنسی زنانه وجهی عمومی و وجهی اختصاصی دارد. وجه عمومی ناظر بر نیازهای مشترک انسانی است که در بین جنس زن و مرد دیده می‌شود و شامل میل جنسی، انگیزش، ارگاسم و فرونشینی است (۸). بنابراین نیاز جنسی زنانه یک نیاز فطری و زیستی است که بنا بر شرایط و ویژگی‌های فردی، محیطی و عوامل عاطفی و احساسی در هر فرد متفاوت است.

۱-۲. **نیاز جنسی؛ نیاز زنانه:** نیاز جنسی زنانه به عنوان یک ویژگی خاص، یعنی آنچه ریشه در نگرش زن به مسائل جنسی دارد. بخش قابل توجهی از این نیازها، طیفی از داستان‌های عاشقانه با قهرمانی احساساتی است که هیجان را برای زنان ایجاد می‌کند و آن‌ها را به تعهد دائمی نسبت به او وادار می‌سازد (۸). بخش دیگری از نیازهای جنسی نیاز انسانی وی است که به صورت هم‌خوابی یا هم‌بستر شدن با شریک جنسی یا در قالب ازدواج عینیت پیدا می‌کند.

۲-۲. **نیاز جنسی متعارف:** از جمله موارد مهم در ارتباط با نیاز جنسی زوجه، توجه به نیازهای منطقی، متعارف و خارج از اصول و قواعد دینی، اخلاقی و قانونی است. برای مثال در فقه شیعه، مرد می‌تواند برای رفع نیازهای جنسی همسر خود تلاش نمایند و حق بهره‌وری جنسی را دارد، اما به وقت خونریزی ماهیانه یا خونریزی پس از زایمان (نفاس) نمی‌تواند اقدام به رابطه نماید (۹). همین موارد نیز برخی دیگر از فقها مورد تأکید قرار دادند که برای سلامتی جسمی زن و مرد مضر است و باید از آن دوری شود (۱۰)، ضمن اینکه در منابع فقهی سقف دوری مرد از زن نیز مطرح شده است تا در حد متعارف، زن بتواند از وجود همسر خود بهره برده و نسبت به رفع نیازهای جنسی خود اقدام نماید، از جمله اینکه بیان شده

است: «[همسر] وظیفه دارد تا حداقل چهار ماه یک مرتبه با همسر خود آمیزش داشته باشد و هر چهار شب یکبار با او همخوابی داشته باشد» (۱۱). بنابراین در منابع فقهی که منشأ حقوق و قوانین در جامعه اسلامی هستند، رفع نیازهای جنسی زن به صورت منطقی و بر مبنای نیازهای طرفین و میزان خواسته آن توجه نشان داده شده و ترک این رابطه بیش از چهار ماه نیز جایز نمی‌باشد، ضمن اینکه بر مبنای عرف پزشکی نیز ترک این رابطه در زمان حیض و نفاس نیز تأیید شده است و از این جهت نگرش فقه و عرف پزشکی همسو و مؤید یکدیگر هستند.

۲-۳. نیاز جنسی نامتعارف: نیاز جنسی نامتعارف دارای انواع متفاوتی است، از جمله اینکه ممکن است فرد دارای عدم سلامت جنسی دچار انحراف جنسی باشد. انحراف جنسی، یعنی اینکه زوج برای ارضای جنسی به چیزی غیر از جنس مخالف نظر داشته باشد و از این جهت دارای انحراف جنسی است (۱۲)، اما اختلال جنسی به عنوان یک شیوه دیگر از نیاز جنسی نامتعارف، یعنی اینکه فرد به عدم اوج لذت جنسی، بی‌انزالی و سردمزاجی دچار باشد (۱۳). در شیوه اول، زوج به نیاز جنسی نامتعارف دچار است که بر زندگی زناشویی نیز اثر منفی می‌گذارد، اما در اختلال جنسی این موضوع ممکن است از دسترس وی خارج باشد و به دلایل متعددی دچار آن شده باشد. نیاز جنسی نامتعارف از سوی هر یک از زوجین نیز می‌تواند ایجاد شود، از جمله اینکه زوج درخواست‌های رابطه از دبر داشته باشد یا اینکه زوج نیز توقعات و خواسته‌های نامعقول از شوهر برای داشتن رابطه جنسی نامتعارف درخواست نماید.

۲-۴. رفع نیاز جنسی به عنوان حق زوج: حق بودن این نیاز در واقع به معنای آن است که شرایط لازم برای برآورده شدن آن در محیط خانواده فراهم شود. نیاز جنسی به عنوان یک حق در زمره حق بر سلامت زن در نظر گرفته می‌شود که اگر به شکل مطلوبی محقق شود، باعث رضایت از زندگی زناشویی شده و شادمانی را در پی دارد و نبود آن یا کاستی و ضعف در آن به منزله نفرت از مرد خواهد بود.

بنابراین میزان سلامت روانی زن و یا مرد تأثیر فراوانی بر رضایتمندی زناشویی دارد (۱۴)، ضمن اینکه از نظر شرع مقدس اسلام، برآورده شدن نیاز جنسی زوج تنها به وسیله ازدواج امکان‌پذیر است. به هر حال بر مبنای در نظر گرفتن حق رفع نیاز جنسی برای زنان باید گفت که زنان علاوه بر اینکه نظیر مردان دارای غرایز جنسی هستند، به طور اختصاصی نیازمند محقق شدن این حق و نیاز به صورت مطلوب و به دور از راه‌های غیر مشروع و ناسالم می‌باشند. در این صورت تأمین خواسته جنسی زن در کانون خانواده، به شیوه مشروع حتی یک عبادت محسوب شده و افراط یا تفریط به تنهایی در اسلام اصالت نداشته و ابعاد معنوی، اخلاقی و دینی لذات نیز مورد توجه است (۱۵)، بدین ترتیب نیاز جنسی به عنوان یک حق برای زوج یک وجه مکمل دیگری نیز دارد و آن هم اینکه شوهر می‌بایست نسبت به رفع نیازهای وی همت بگمارد. در متون فقهی، مسؤولیت رفع نیازهای جنسی زوج بر عهده همسر گذاشته شده است تا از ارتکاب گناه زن جلوگیری شود. بنابراین شوهر تکلیف شرعی دارد تا نیاز جنسی زن را برطرف نماید (۱۶). بنابراین رفع نیاز جنسی زن یک حق است و شکل و شیوه آن و یا مطلوبیت آن به خواسته و توقع زن و یا زوجین بستگی دارد که در دوران زندگی نشان داده می‌شود.

۳. تحلیل رفع نیاز جنسی زوج از منظر حق: نیاز جنسی متعارف و رفع آن در رابطه زناشویی تشکیل‌دهنده حق زوج در بهره‌مندی از آن است. نیاز جنسی متعارف در دین اسلام و فقه امامیه نیز دارای مرزبندی روشنی است، به طوری که در احادیث و روایات متعددی دوری زوج از زوج و نداشتن رابطه جنسی به عنوان دلیلی برای طلاق نیز لحاظ شده است. از جمله در حدیثی از امام رضا (ع) چنین آمده است: «ترک رابطه جنسی بیش از چهار ماه جز با اجازه زن جایز نیست» (۱۷). بنابراین از نظر زمانی، بر مرد واجب است تا تکلیف خود را در قبال نیازهای جنسی زن انجام داده و از بی‌توجهی به آن خودداری ورزد. در این باره نیز ملاک قراردادن چهار ماه ضرر نوعی است و ضرر شخصی نیز باید لحاظ شود (۱۸). بنابراین

رفع حرج زن، در زمره وظایف زوج است که می‌بایست بر مبنای همان اصول و قواعد صحیح و به دور از نیازهای نامتعارف انجام شود. نامتعارف نبودن رابطه جنسی، نداشتن رابطه از دبر، رعایت برخی ملاحظات در ایام نفاس و حیض از جمله مواردی است که ابعاد حق جنسی زوج را شامل می‌شوند.

اما در مواردی که بیماری زوج بر مبنای عرف پزشکی، باعث عدم رضایت زن از نیاز جنسی از سوی زوج گردد، زن می‌تواند بر مبنای مصالح خود و حسب نوع مشکل، اقدام نماید، اما گفته شده است در مواردی که شوهر به یکی از امراض و بیماری‌های خطرناک مبتلا شود، در این شرایط زوجه این اختیار را دارد تا برای مصون ماندن از آن بیماری از زوج دوری نماید (۱۹). بنابراین مورد اخیر به شرایط خاص و استثنایی اشاره دارد که بیماری زوج دیده شود و تحقق عسر و حرج برای زوجه به منزله مجوز زوجه برای دوری از زوج است. دلیل این تصمیم از سوی زوجه آن است که عسر برای زن محقق می‌شود و آن هم سرایت بیماری به زن یا عدم برآورده شدن نیازهای جنسی وی توسط زوج است. این اختیار در ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی نیز مطرح شده است: «هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد، زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع نماید.»

۳-۱. رابطه عدم سلامت جنسی زوج با عسر و حرج زوجه: اهداف عالی شریعت همچون عدالت، مساوات، نفی عسر و حرج و... که برگرفته از قرآن کریم هستند، به عنوان یک شاخص و ضابط عمل می‌کند (۲۰). بنابراین در مواردی که عدم توانایی جنسی برای زوج، تنگی و سختی برای زوجه در پی داشته باشد، دفاع زوجه از حق طبیعی خود امری پذیرفتنی است. بنابراین در نزد فقها، آسیب دیدن زن به سبب عدم تأمین نیازهای جنسی خود در نظام خانواده، حتی می‌تواند وی را مستحق درخواست طلاق نماید و قاضی نیز مکلف است که درخواست وی را مورد پذیرش قرار دهد (۲۱) یا حتی در مواردی که زوج به دلایل جسمی یا روحی و روانی امکان برآورده نمودن نیازهای جنسی زوجه را ندارد، زن به

دشواری و تنگنایی دچار شد که در این صورت بر زوج واجب است که به درخواست زن بعد از چهار ماه پاسخ مثبت دهد، ضمن اینکه حکم به وجوب تمکین زوجه، اگر این تمکین به دلیل وضعیت جسمی یا روانی وی، باعث عسر و حرج زوجه شود، برداشته شده و بر وی واجب نیست که به درخواست زوج پاسخ مثبت دهد (۲۲). بنابراین برآورده نکردن نیازهای زوجه در موعد تعیین شده، به معنای آن است که حق طبیعی زن در زمینه بهره‌مندی از نیازهای جنسی خود مورد غفلت زوج واقع شده و وی می‌تواند در محاکم قضایی برای دستیابی به حق خود و جبران حق تضییع شده اقدام نماید.

بر مبنای مباحث پیشین باید گفت که نیاز جنسی متعارف، حقی پذیرفتنی برای زوجه است و در صورتی که زوج از سلامت جنسی برخوردار نباشد، تبعات رابطه جنسی باعث تضییع حق زن و نادیده گرفتن نیازهای متعارف وی محسوب می‌شود. در برخی از این اختلالات، رابطه جنسی با درد و مشقت زیاد برای مرد یا زن همراه است که تداوم آن منجر به تشدید یا بروز اختلال‌های دیگر می‌شود (۲۳)، از جمله می‌توان به مقاربت نامتعارف، از جمله روابط دردناک یا آسیب‌های جسمی و روانی اشاره کرد که خود به معنای دشواری برای زوجه تلقی می‌شود. درد و مشقت در اینجا همان عسر و حرج است که در فقه شیعی پذیرفتنی نیست و می‌تواند مستندی برای طلاق زوجه نیز در نظر گرفته شود.

۳-۲. دلایل فقهی، حقوقی و نصوص قانونی مرتبط با عسر و حرج زوجه: بنا بر موارد پیشین، نیازهای جنسی زنان و حق بر داشتن رابطه جنسی سالم و متعارف، وجه مهمی از حق بر سلامت آنان را شامل می‌شود که در روایات و منابع فقهی بر آنان تأکید شده است. در ابتدا باید از نقش مهم این رفتار در شکل‌گیری معاشرت بالمعروف سخن گفت که رسول گرامی اسلام (ص) در حدیثی می‌فرمایند: «بهترین مردم دین باوری کسانی هستند که با همسرانشان بهتر (و انسانی‌تر) رفتار کنند و من از همه شما به خانواده مهربان‌ترم» (۲۴). بنابراین هر نوع رابطه و رفتاری که باعث ایجاد تنگنا برای زوجه شود، قابل قبول نیست و یکی از مصادیق مهم تضییع

حق زنان، نادیده گرفتن نیازهای جنسی زن به علت بیماری و عدم سلامت جنسی زوج است، به طوری که فقدان سلامت جنسی که منجر به عسر و حرج برای زوجه شود، حتی سقوط تکلیف و در مواردی نیز نافی تحقق نشوزبودن وی است. شیخ طوسی در همین باره می‌فرماید: «چنانچه زوجه بر صفتی باشد که نگرانی از آن باشد، جماع موجب جنایتی برای وی یا منجر به مشقت شدیدی برای وی گردد، از جماع منع خواهد شد» (۲۵). بنابراین از نظر حقوقی نیز در صورتی که امکان برآورده نمودن خارج از قدرت و توانایی برای زوجه وجود نداشته باشد، عقل وجوب این تکلیف را غیر ممکن می‌داند و در نتیجه تکلیف از زوجه ساقط می‌گردد. با سقوط تکلیف، تحقق نشوز نیز معنایی ندارد (۲۶). این مورد به حالتی مربوط می‌شود که زوج به بیماری جنسی مبتلا باشد و یا به علت مشکلات روحی و روانی، توانایی برآورده کردن نیازهای زوجه را نداشته باشد که در این صورت، زوجه می‌تواند حسب عمدی یا سهوی بودن عدم سلامت زوج، اقدام متناسبی انجام دهد و مانع عسر و حرج گردد.

طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی ایران، حق طلاق به صورت شرط ضمن عقد برای زن در نظر گرفته شده است، البته در احکام شریعت مقدسه اسلام نیز در مواردی حکم جواز فسخ نکاح به زوجه داده شده است. برای مثال شیخ طوسی پس از بحث از «عنه» می‌گوید؛ پس از آنکه ناتوانی جنسی زوج ثابت شد، زن خیار فسخ دارد و بر این موضوع نیز ادعای اجماع نموده است (۲۵). همین رویه در نزد قانونگذار نیز لحاظ شده است، به طوری که طبق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، ناتوانی جنسی از مصادیق عسر و حرج در نظر گرفته شده که می‌تواند حق طلاق را به زن بدهد، یعنی اگر مشکلات و نارضایتی جنسی زوج وجود داشته باشد، مصداق عسر و حرج برای زوجه محسوب می‌شود. این ماده در تمامی مواردی که زوجه از شیوه زندگی زناشویی در عسر و حرج باشد، به وی حق طلاق داده است (۱۲). بنابراین در صورتی که محاکم قضایی بتوانند وجود مشکلات جنسی و عدم سلامت زوج را اثبات نمایند، زوجه می‌تواند با استناد به عدم توانایی جنسی یا در کل عدم

سلامت جنسی وی، اقدام به طلاق نموده و بر مبنای همان قاعده عسر و حرج از حق فردی خود دفاع نماید. باز در این زمینه می‌توان به ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی اشاره نمود که بر مبنای آن: «همین که نکاح به طور صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود.» بنابراین رفع نیازهای جنسی به صورت صحیح و با در نظر گرفتن ملاحظات مربوط به سلامت جنسی، معاشرت معروف و پرهیز از درخواست‌های جنسی نامتعارف، به عنوان حقوق و تکالیف طرفین در ایام پس از جاری شدن عقد نکاح است، یعنی به محض عقد نکاح، این حق و تکلیف بر عهده زوجین قرار می‌گیرد (۲۷). از این منظر، زوج می‌بایست برای رفع نیازهای زوجه کوشش نموده و هم مدت زمان (۴ ماه) و هم معاشرت معروف را در چهارچوب سلامت جنسی، اعم از جسمی و روانی مورد توجه قرار دهد.

همچنین در ماده ۱۱۲۲ از قانون مدنی در ارتباط با عدم سلامت جنسی مرد چنین آورده است که عیوبی نظیر خصاء، عنن و جب در زوج که از ایفای وظایف زناشویی ممانعت به عمل آورند، اسباب حق فسخ برای زوجه را در پی خواهد داشت. بنابراین عیوب سه‌گانه یادشده که توانایی انجام وظیفه زناشویی را از زوج سلب نماید، به شرط وجود هر یک از آنان در زمان عقد نکاح، باعث حق فسخ برای زوجه خواهد بود، البته درباره بحث عنن، قضیه متفاوت خواهد بود، زیرا اگر بعد از عقد هم پدید آید، به زوجه حق فسخ نکاح نیز داده می‌شود. به این دلیل که بخش توجهی از مشکلات زناشویی به خاطر ترس، حیا، نادیده گرفتن نیازهای طرف مقابل و مسائلی از این قبیل است (۲۸). قانونگذار در این ماده به صراحت مصادیق عدم سلامت جنسی زوج را باعث عسر و حرج برای زوجه تلقی کرده و حق انتخاب برای زوجه را از حیث فسخ عقد نکاح نیز اعطا کرده است یا اینکه در ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی چنین آمده است: «هرگاه در یکی از طرفین، صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود، خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانی بر آن واقع شده باشد.»

بنابراین در شرایطی که قبل از عقد سلامت جنسی زوج مطرح شده باشد، اما بعد از جاری شدن عقد نکاح شرایط مطلوبی از این جهت نداشته باشد، حق فسخ با زوجه خواهد بود، زیرا این ناتوانی به هر دلیل یا مصداقی که باشد، به معنای عسر و حرج برای زوجه است که می‌تواند حق طلاق را به وی بدهد، زیرا این ناتوانی باعث مشکلات روحی و روانی برای زوجه است که بر روابط جنسی وی اثرگذار خواهد بود (۲۹). علاوه بر این در موارد دیگری نیز قانونگذار به بیماری جنسی شوهر اشاره کرده است. در ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی به این موضوع اشاره شده است: «هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد، زن حق خواهد داشت تا از نزدیکی با او امتناع ورزد» (۳۰). به این دلیل که اگر تماس یا رابطه جنسی میان زن و شوهر صورت گیرد، بیماری از زوج به زوجه منتقل شده و باعث سرایت بیماری به زوجه می‌شود. بدیهی است که تن دادن زوجه به درخواست شوهر در چنین شرایطی، تحقق بخش همان عسر و حرج برای وی است که در شمول مواردی است که از نظر فقهی و حقوقی نیز نفی شده است.

نتیجه‌گیری

حق بهره‌مندی زوجه از رابطه سالم، متعارف و به دور از آسیب‌های فردی و اجتماعی، بُعد مهم حق بر سلامت است که از ارکان مهم حفظ کانون خانواده و پایداری آن محسوب می‌شود. در این فرایند، رابطه و درخواست‌های زوج از زوجه نباید به نحوی باشد که باعث عسر و حرج گردد و یا مشکلات جسمی و روحی برای وی ایجاد نماید، از جمله این موارد، درخواست‌های داشتن رابطه جنسی ناسالم و پرخطر، دوری طولانی مدت از زوجه و عدم تأمین نیازهای جنسی وی است که در مواردی حتی قانونگذار در مواد ۱۱۲۷ و ۱۱۲۸ قانون مدنی، احکامی برای ناقض تعهدات عقد نکاح در نظر گرفته است، حتی قانونگذار در ماده ۱۱۳۰ و با عنایت به مخفی شدن شوهر و عدم تأمین نیازهای زوجه به مدت بیش از چهار ماه یا بیشتر، امکان طلاق را بدون حضور و مراجعه شوهر فراهم نموده است. این نشان‌دهنده توجه قانونگذار به مصادیق عسر و حرج ناشی از عدم تأمین نیازهای جنسی زوجه است تا بتواند

از کانون خانواده حمایت به عمل آورد. به هر حال با توجه به پیچیدگی‌های ناشی از عدم سلامت جنسی و ایجاد روش‌های فریب‌دهنده، توجه به سلامت جنسی زوج و تشخیص مصادیق آن از حیث واقعی یا غیر واقعی بودن بسیار مهم و حائز اهمیت است، زیرا تنها با انجام و تغییر یک آزمایش دروغین، زوج می‌تواند در نقش یک بیمار جنسی قرار گیرد و عدم تأمین نیازهای زوجه را به آن ارتباط دهد. بنابراین تشخیص‌های پزشکی در عرصه تفکیک بیماری‌های جنسی قابل علاج و صعب‌العلاج، آسیب‌زا یا خطرآفرین بودن بسیار مهم و حیاتی است که اگر به صورت تطبیق این مصادیق بر اصول و معیارهای فقهی باشد، نقش مهمی در حمایت از کانون خانواده و عدم تحقق عسر و حرج در پی خواهد داشت، یعنی اینکه در مواردی که مشکل جنسی شوهر قابل علاج است، توصیه به زوجه برای صبر و تحمل و کمک به همسر می‌تواند بسیار راهگشا باشد و از مراجعه قضایی و حقوقی خودداری نمایند. یا اگر در مواردی همسر به دلایل ناموجهی اقدام به ترک رابطه و عدم تأمین نیازهای زوجه اقدام نموده یا درخواست‌های نامعقول از وی دارد، نیازمند پیگیری حقوقی و پزشکی به شکل توأمانی است تا بتوان مانع عسر و حرج بر زوجه شود، ضمن اینکه برخی از موارد به دلیل ناآشنا و ناآگاهی بودن زوجین از داشتن رابطه جنسی سالم و متعارف که برای هر دو رضایت‌بخش باشد، عسر و حرج برای زوجه حادث می‌شود که حتی می‌تواند تبعات جسمی و روانی قابل توجهی برای وی در پی داشته باشد، بدین ترتیب در بیان مصادیق حسن معاشرت می‌بایست به عرصه دیگری نظیر روابط جنسی سالم و سلامت جنسی زوج توجه نشان داده شود و آگاهی لازم از طریق رسانه، آموزش‌های مدارس و دانشگاه یا مشاوره‌های قبل از ازدواج ایجاد شود و طرفین به این حق به عنوان یکی از ارکان مهم حفظ و پایداری نظام خانواده توجه نشان دهند. فراهم نمودن سازوکاری قانونی و حقوقی که زنان بتوانند مشکلات جنسی زوج را در دستگاه‌های حقوقی و قضایی پیگیری نمایند و از سرکوب حق خود دوری کنند، نیز حائز اهمیت است.

مشارکت نویسندگان

مرجان حیدری: ارائه ایده، نگارش مقاله، گردآوری منابع.
محمدباقر عامری‌نیا: راهنمایی بر نگارش مقاله.
داریوش بابایی: نظارت بر مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله حاضر، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

- Hosein Rashidi B, Kiyani K, Haghollahi F, Shahbazi Sighaldehy S. Sexual health definition from the perspective of Iranian experts and description its components. *Tehran Univ Med J*. 2015; 73(3): 210-220. [Persian]
- Bakhshudeh A, Bahrami Ehsan H. Role of Dyadic Expectations and Healthy Relations in Prediction of Dyadic Satisfaction. *Journal of Studies in Islam and Psychology*. 2012; 6(10): 27-42. [Persian]
- Alizadeh Nough Bahrman F. Factors affecting emotional divorce and marital burnout of couples. *Quarterly Journal of New Approaches in Islamic Studies*. 2020; 2(3): 119-137. [Persian]
- Karimi A, Dadgar S, Afiat M, Rahimi N. The Effect of Sexual Health Education on Couples' Sexual Satisfaction. *Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*. 2013; 15(42): 23-30. [Persian]
- Pourakbaran A, Amin Yazdi SA. A Study of Sexual Function and Marital Satisfaction in Women with and without a History of Childbirth. *Journal of Principles of Mental Health*. 2017; 17(4): 202-208. [Persian]
- Prause N, Pfaus J. Viewing Sexual Stimuli Associated with Greater Sexual Responsiveness, Not Erectile Dysfunction. *Sexual Medicine*. 2015; 3(2): 90-98.
- Kukkonen TM. Devices and Methods to Measure Female Sexual Arousal. *Sexual Medicine Reviews*. 2015; 3(4): 225-244.
- Sadock B, James S, Virginia KH. Summary of Psychiatry. Translated by Rezaei F. Tehran: Arjomand Publications; 2013. [Persian]
- Tarhini Ameli SMH. Al-Zubadah al-Fiqhiyyah fi Sharh al-Rabuda al-Bahiyyah. Qom: Dar al-Fiqh al-Taba'ah and al-Nashr Publications; 2000. [Arabic]
- Juba'i Ameli (Shahid Thani) ZA. Al-Rawuda al-Bahiyyah fi Sharh al-Lamma' al-Damasqiyyah. Qom: Davari Bookstore Publications; 1997. [Persian]
- Najafi SMH. Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharay' al-Islam. Beirut: Dar ul-Ahya al-Turaht al-Arabi Publications; 1997. [Arabic]
- Khalijian F, Hasani A, Khajehzadeh A. Investigating sexual problems and dissatisfaction of couples and its effect on marital disputes in Iran's subject law and judicial procedure. *Journal of Applied Family Therapy*. 2023; 4(4): 171-190. [Persian]
- Ibrahim D. Criminal Psychology. Translated by Sane'i P. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1992. [Persian]
- Shahi A, Ghaffari E, Ghasemi K. Relationship between mental health and marital satisfaction. *Kermanshah University of Medical Sciences Bimonthly*. 2011; 15(2): 119-127. [Persian]
- Shakeri Golpayegani T, Bahrami L. Rereading Wife's Sexual Rights from the Viewpoint of General Moral-Legal Principles. *The Islamic Journal of Women and Family*. 2020; 9(25): 85-107. [Persian]
- Sabzevari SAA. Mahdhab al-Ahkam. Qom: Al-Manar Institute; 1995. [Persian]
- Ibn Babuyeh Qomi AM. Man La Yahduruhu al-Faqih. Qom: Islamic Publications Affiliated with the Qom Seminary Teachers' Association; 1990. [Arabic]
- Shubayri Zanjani M. Kitab Nikah. Qom: Raaypardaz Research Institute Publications; 1989. [Persian]
- Emami SH. Civil Rights. Tehran: Islamiya Bookstore Publications; 1996. [Persian]
- Rabbani SMA. Discussions of Arguments (Speech on the Principles of Sayyid Ali al-Sistani). No Place: No Name; 2018. [Persian]
- Qurtubi AM. Tafsir al-Qurtubi. Cairo: Dar al-Shaab Publications; 2015. [Arabic]
- Nazari Tavakoli S, Karachian Sani F. Domain of Wife's Rights Marital Relationship; Viewpoint of Jurisprudence and family law. *Journal of Studies in Islamic law and Jurisprudence*. 2019; 10(19): 359-378. [Persian]
- Hedayatnia F. Spouses' Disputes in Iranian Jurisprudence and Legal System. Tehran: Publications of the Islamic Culture and Thought Research Institute; 2017. [Persian]
- Majlesi MB. Bihar al-Anwar. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya; 1990. [Arabic]
- Tusi MH. Al-Mabsut fi fiqh al-Imamiyah. Tehran: Maktaba al-Murtazawiyya; 2007. [Arabic]
- Ebrahimi FZ, Mohaqeq Damad MA, Pourabdullah K. The Jurisprudential and legal foundations of requiring couples to treat Sexual Disorders. *The Islamic Journal of Women and the Family*. 2021; 9(2): 133-155. [Persian]
- Sherbafchizadeh M, Sadeqi Fasaee S, Azari H, Mirkhani ES. An Explanation of the Sexual Rights of the Husband and Wife in the Context of Jurisprudential

and Legal Texts. Journal of the Women and Families Cultural-Educational. 2020; 14(50): 67-92. [Persian]

28. Momen RS. The Status and Scope of Couples' Sexual Rights: In Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law. Tehran: Imam Sadeq University Press; 2014. [Persian]

29. Asadi L. Sexual Rights, Disorders and Deviations in the Laws of the Collection, Jurisprudence and Family Law. Journal of Family and Family Law. 2006; 3(43): 36-61. [Persian]

30. Abhari H, Safaei MS. Justifiable Cases of Wife's Disobedience in Iranian Law. Journal of Research in Islamic Jurisprudence and Law. 2013; 9(30): 11-30. [Persian]